

۱- مقدمه

بحث سرمایه اجتماعی، قبل از سال ۱۹۱۶، در مقاله‌ای توسط هانی فان^(۱) از دانشگاه ویرجینیای غربی برای نخستین بار مطرح شد. اما، علی‌رغم اهمیت آن در تحقیقات اجتماعی تا سال ۱۹۶۰ میلادی که توسط جین جاکوب^(۲) در برنامه‌ریزی شهری بکار برده شد، شکل جدی به خود نگرفت. در دهه ۱۹۷۰، این تئوری توسط "لوری"^(۳) وارد عرصه اقتصاد شد. لوری، از تئوری سرمایه اجتماعی برای انتقاد از نظریات نئوکلاسیک و ناعادلانه بودن توزیع درآمد استفاده کرد.

جیمز کلمن^(۴) (۱۹۸۸)، برای اولین بار این مفهوم را در امریکای شمالی وارد عرصه سیاسی کرد. تلاش‌های وی در اروپا توسط پوتنام^(۵) پیگیری شد. تئوری سرمایه اجتماعی، عمدتاً با نظریه‌های بوردیو^(۶)، کلمن و پوتنام تکامل پیدا کرد. در این مقاله، تعاریف سرمایه اجتماعی از دیدگاه این محققین بررسی خواهد شد.

۲- تعاریف سرمایه اجتماعی

سرمایه اجتماعی در مفاهیم مختلفی بکار برده شده است که در مجموع می‌توان این مفاهیم را در سه دسته ذیل تعریف کرد:

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۲/۱- سرمایه اجتماعی از دیدگاه بوردیو

بوردیو سه نوع سرمایه، شناسایی نمود؛ این اشکال سرمایه عبارت از شکل اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی بودند. شکل اقتصادی سرمایه بلافاصله قابل تبدیل به پول است مانند دارایی‌های منقول و ثابت یک سازمان. سرمایه فرهنگی، نوع دیگر سرمایه است که در یک سازمان وجود دارد مانند تحصیلات عالی اعضای سازمان که

1- L.F. Hanifan

2- Jane Jacob

3- Glenn Loury

4- James Coleman

5- Putnam

6- Bourdieu

سرمایه اجتماعی: مفاهیم و نظریه‌ها

دکتر سید مهدی الوانی

(عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبائی)

میر علی سید نقوی

(دانشجوی دکترا مدیریت دولتی)

چکیده

امروزه، در کنار سرمایه‌های انسانی، مالی و اقتصادی، سرمایه دیگری بنام سرمایه اجتماعی مورد بهره‌برداری قرار گرفته است. این مفهوم به پیوندها و ارتباطات میان اعضای یک شبکه به عنوان منبع با ارزش اشاره دارد که با خلق هنجارها و اعتماد متقابل موجب تحقق اهداف اعضا می‌شود. این مقاله، با ارائه تعاریف و مقایسه دیدگاههای صاحب‌نظران عمده به تعریف تشویرهای سه‌گانه سرمایه اجتماعی - تئوری شکاف ساختاری، پیوند ضعیف و منابع اجتماعی - پرداخته و به شناسایی و تحلیل ابعاد مختلف این نظریه می‌پردازد. در ادامه برای سنجش میزان سرمایه اجتماعی دو نوع مدل کمی و کیفی ارائه و در پایان مقاله، مزایا و معایب بکارگیری این نظریه به بحث گذاشته می‌شود.

این نوع سرمایه نیز در برخی موارد و تحت شرایطی قابل تبدیل به سرمایه اقتصادی است و سرانجام شکل دیگر سرمایه، سرمایه اجتماعی است که به ارتباطات و مشارکت اعضای یک سازمان توجه دارد و می‌تواند به عنوان ابزاری برای رسیدن به سرمایه‌های اقتصادی باشد (Winter, 2000).

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، از دیدگاه بورديو سرمایه اقتصادی شکل غالب سرمایه‌گذاری است و انواع دیگر سرمایه که شامل فرهنگی و اجتماعی است، به عنوان ابزاری برای حصول سرمایه اقتصادی مفهوم پیدا می‌کنند.

از نظر بورديو، سرمایه اجتماعی در ممالک سرمایه‌داری به عنوان ابزاری برای تثبیت و تقویت جایگاه اقتصادی افراد به شمار می‌رود، در این ممالک، سرمایه اقتصادی پایه است و سرمایه اجتماعی و فرهنگی ابزاری برای تحقق آن محسوب می‌شوند. می‌توان نتیجه گرفت که دیدگاه بورديو در زمینه سرمایه اجتماعی یک دیدگاه ابزاری صرف است. به عبارتی اگر سرمایه اجتماعی نتواند موجب رشد سرمایه اقتصادی شود، کاربردی نخواهد داشت.

۲/۲- سرمایه اجتماعی از دیدگاه کلمن

برخلاف بورديو، کلمن از واژگان مختلفی برای تعریف سرمایه اجتماعی کمک گرفت؛ وی مفهوم سرمایه اجتماعی را از ابعاد مختلف بررسی کرد. کلمن برای تعریف سرمایه اجتماعی از نقش و کارکرد آن کمک گرفت و تعریفی کارکردی از سرمایه اجتماعی ارائه داد و نه تعریف ماهوی. بر این اساس، سرمایه اجتماعی عبارت از ارزش آن جنبه از ساختار اجتماعی که به عنوان منابعی در اختیار اعضا قرار می‌گیرد تا بتوانند به اهداف و منافع خود دست پیدا کنند (Coleman, 1990).

تعاریف بورديو و کلمن تا حدودی شبیه به هم هستند. هم بورديو و کلمن قائل به مشارکت و عضویت فرد در گروه بودند و ماحصل آن را به عنوان سرمایه تلقی

می نمودند؛ بورديو برای این مفهوم از واژه «چسبندگی»^(۱) و کلمن از واژه «ساختار اجتماعی» کمک گرفتند.

برخلاف بورديو که سرمایه اقتصادی را به عنوان هدف غایی در نظر می گرفت، کلمن، سرمایه انسانی را به عنوان هدف غایی مطرح و سرمایه اجتماعی را به عنوان ابزاری برای حصول به سرمایه انسانی بکار می برد. به عبارتی، کلمن با استفاده از مفهوم سرمایه اجتماعی سعی در شناخت نقش هنجارها و ارزشها در داخل خانواده یا شبکه های اجتماعی بود تا از این طریق بتواند موجب تقویت سرمایه های انسانی شود.

۲/۳- سرمایه اجتماعی از دیدگاه پوتنام

پوتنام (۱۹۹۳ تا ۱۹۹۸) از محققین اخیر سرمایه اجتماعی است. تأکید عمده وی به نحوه تأثیر سرمایه اجتماعی بر رژیمهای سیاسی و نهادهای دموکراتیک مختلف است. پوتنام، سرمایه اجتماعی را مجموعه ای از مفاهیمی مانند اعتماد، هنجارها و شبکه ها می داند که موجب ایجاد ارتباط و مشارکت بهینه اعضای یک اجتماع شده و در نهایت منافع متقابل آنان را تأمین خواهد کرد. از نظر وی اعتماد^(۲) و ارتباط متقابل^(۳) اعضا در شبکه، به عنوان منابعی هستند که در کنش های اعضای جامعه موجود است (Putnam, 2000).

پوتنام، سرمایه اجتماعی را به عنوان وسیله ای برای رسیدن به توسعه سیاسی و اجتماعی در سیستمهای مختلف سیاسی می دانست. تأکید عمده وی بر مفهوم "اعتماد" بود و به زعم وی همین عامل بود که می توانست با جلب اعتماد میان مردم و دولتمردان و نخبگان سیاسی موجب توسعه سیاسی شود. بنابراین، اعتماد، منبع با ارزشی از سرمایه محسوب می شود که اگر در حکومتی به میزان زیاد اعتماد وجود داشته باشد به همان اندازه رشد سیاسی و توسعه اجتماعی بیشتر خواهد بود.

تفاوت کار پوتنام با بورديو و کلمن در مقیاس بکارگیری مفهوم سرمایه اجتماعی

سرمایه اجتماعی: مفاهیم و نظریه‌ها / ۷

است. برخلاف آن دو، پوتنام سرمایه اجتماعی را در مقیاس کلان و در رژیم سیاسی حاکم بر جامعه مورد مطالعه قرار داد و به همین خاطر با مشکلات و پیچیدگیهای خاص سیاسی و ملاحظات سیاسی روبرو شد.

در جدول ذیل خلاصه‌ای از تعاریف مختلف و سطوح تحلیل آنها مورد مقایسه قرار گرفته است:

سطح تجزیه و تحلیل	هدف	تعریف سرمایه اجتماعی	محورها / محققین عمده
- افراد در حال رقابت با هم (فرد با فرد)	- رسیدن به سرمایه اقتصادی	- منابعی هستند که منافع عمومی را مورد ارزیابی قرار می‌دهند.	بورديو
- افسراد در گروههای فامیلی و اجتماعی (فرد با گروه)	- رسیدن به سرمایه انسانی	- جنبه‌هایی از ساختار اجتماعی است که اعضا از آن به عنوان منبعی برای رسیدن به منافع خود استفاده می‌کنند.	کلمن
- حکومت‌های سیاسی در سطح ملی (گروه با حکومت ملی)	- رسیدن به دموکراسی و توسعه اقتصادی	- اعتماد، هنجارها و شبکه‌هایی که تسهیل کننده همکاری اعضا برای رسیدن به منافع مشترک است.	پوتنام

جدول شماره ۱ - تعاریف مختلف از سرمایه اجتماعی براساس هدف و سطح تحلیل

۳- تئوریهای سرمایه اجتماعی

برای مفهوم سازی سرمایه اجتماعی از سه تئوری پیوندهای ضعیف^(۱)، شکاف

ساختاری^(۱) و تئوری منابع اجتماعی^(۲) استفاده شده است؛ تئوری پیوند ضعیف و شکاف ساختاری بر شبکه ارتباطات تأکید دارند و تئوری منابع اجتماعی بر محتوای روابط در شبکه‌های متمرکز می‌باشد. اکنون به اختصار این تئوری‌ها مورد بررسی قرار می‌گیرند:

۳/۱- تئوری پیوندهای ضعیف

اولین تئوری برای مفهوم‌سازی سرمایه اجتماعی، تئوری پیوندهای ضعیف است. مطابق این تئوری، هرچه شدت و استحکام روابط میان اعضای یک شبکه بیشتر باشد، ارزش سرمایه اجتماعی کمتر و بالعکس هرچه شدت و استحکام این روابط ضعیفتر باشد نشان دهنده سرمایه اجتماعی بیشتر است.

گرانووتر^(۳) واضح تئوری پیوندهای ضعیف، معتقد است که می‌توان سرمایه اجتماعی را از نظر شدت، تکرار و شمولیت انواع مختلف روابط مانند دوستیها، همکاریها... مورد سنجش قرار داد. شدت و استحکام روابط یک گروه اجتماعی در داخل گروه موجب تضعیف روابط اعضای آن گروه با بیرون می‌گردد. در واقع گرانووتر معتقد بود که روابط منسجم میان اعضای یک گروه، منجر به روابط ضعیف با اعضای گروههای خارجی شده و سرمایه اجتماعی را کاهش می‌دهد و در مقابل، پیوندهای ضعیف درون گروهی موجب ایجاد روابط با افراد و گروههای خارجی شده و به ایجاد سرمایه اجتماعی می‌انجامد. (Seibert, 2001).

۳/۲- تئوری شکاف ساختاری

این تئوری در سال ۱۹۹۲ توسط "برت" برای مفهوم‌سازی سرمایه اجتماعی بکار برده شد. تأکید تئوری شکاف ساختاری بر رابطه میان «فرد^(۴)» و «همکاران وی در شبکه^(۵)» و همین‌طور روابط میان همکاران، با همدیگر است. منظور از شکاف در این

1- Structural Hole Theory

2- Social Resource Theory

3- Granovetter

4- ego

5- Alters

تئوری، فقدان ارتباط میان دو فرد در یک شبکه اجتماعی است، که فی نفسه مزیتی برای سازمان تلقی می‌شود.

مطابق تئوری شکاف ساختاری، اگر یک فرد در شبکه اجتماعی خود با همکارانی که با هم در ارتباط نیستند یا حداقل ارتباط اندکی با هم دارند، ارتباط برقرار کند، نهایت استفاده را خواهد برد. تقویت شبکه‌های شکاف‌دار، دارای مزایایی است از جمله: ارزیابی سریع و بی‌نظیر اطلاعات، قدرت چانه‌زنی مضاعف و افزایش قدرت کنترل بر منابع و نتایج (Seibert, 2001).

بگونه دیگر نیز می‌توان مفهوم تئوری شکاف ساختاری را بررسی کرد؛ این تئوری، فرض می‌کند که بازارها، سازمانها و افرادی که در ارتباط با هم هستند در صورتی که روابط میان آنها ساختار نیافته، بی‌نظم و تعریف نشده باشد. به عنوان یک سرمایه سودآورد برای آنها تلقی خواهد شد و هرچه روابط میان آنها منظم‌تر و ساختارمندتر باشد از این سرمایه کاسته می‌شود. به طور کلی رسمیت و قانونمند شدن ساختاری با سرمایه اجتماعی در تعارض است.

تئوری شکاف ساختاری، سرمایه اجتماعی را یک "شبکه ساختارگونه" تعریف می‌کند که متأثر از عوامل ذیل است (Burt 1997).

- اندازه شبکه: شبکه‌های وسیع و گسترده، کمتر تحمیلی بوده و اجبار برای تبعیت اعضا کمتر است.

- تراکم یا چگالی شبکه^(۱): شبکه‌هایی که در آن ارتباط و تعامل میان اعضا شدت بیشتری دارد، اجبار اعضا برای تبعیت زیاد است.

- سلسله مراتب شبکه: شبکه‌هایی که در آن، روابط بر پایه یک ارتباط مسلط شکل می‌گیرد، حالت جبر و تحمیل بیشتری دارد.

مطابق این تئوری برای سنجش میزان سرمایه اجتماعی باید به سه عامل فوق توجه نمود. هرچه اندازه شبکه وسیع‌تر و تراکم و سلسله مراتب موجود در آن کمتر باشد میزان سرمایه رو به فزونی است.

۳/۳- تئوری منابع اجتماعی

این تئوری که ریشه‌های آن به مطالعات "لین و کاتور" (۱) در سال ۱۹۸۱ می‌رسد، پیوندهای موجود در شبکه را بدون وجود منابع داخل آن کارآمد نمی‌داند. از دیدگاه این تئوری فقط منابع موجود در درون شبکه است که می‌تواند به عنوان یک سرمایه قلمداد شود (Lin, 1981). به عنوان مثال، ممکن است اعضای شبکه دارای منابع زیادی از جمله قدرت نفوذ، تحصیلات عالی... باشند و به عنوان منبع با ارزش شناخته شوند، اما این منابع تنها در صورتی سرمایه محسوب خواهد شد که فرد نیاز به آن منابع داشته باشد. در مثال اخیر، اگر فرد برای رسیدن به هدفی نیازمند قدرت نفوذ همکار خود باشد، آن منبع خودبخود سرمایه تلقی خواهد شد و تبعاً سایر منابع اعضا، مانند تحصیلات عالی، سرمایه به حساب نخواهد آمد. به طور خلاصه از دیدگاه این تئوری، اعضای موجود در شبکه دارای منابع باارزشی هستند که می‌تواند فرد را در رسیدن به اهداف یاری رساند. با مرور ادبیات مربوط به مفهوم‌سازی سرمایه اجتماعی می‌توان به این جمع‌بندی رسید که تئوری پیوندهای ضعیف به ماهیت ارتباطات و تعاملات میان افراد اشاره دارد، تئوری شکاف ساختاری بر الگوی این پیوندها و ارتباطات در میان اعضای موجود در شبکه تمرکز داشته و تئوری منبع اجتماعی بر ویژگیهای ارتباطات و تعاملات اعضا و محتوی روابط اشاره دارد.

به عبارتی، تئوری پیوندهای ضعیف و شکاف ساختاری هر دو بر "ساختار" شبکه‌ها معطوف هستند در حالی که تئوری منابع اجتماعی به "محتوی شبکه" توجه دارد.

۴- ابعاد سرمایه اجتماعی

در یک دسته‌بندی، سرمایه اجتماعی به سه بعد ساختاری، شناختی و ارتباطی تقسیم می‌شود (Nahapeit, Ghoshal, 1998).

۴/۱- بعد ساختاری:

- الف - پیوندهای موجود در شبکه: شامل وسعت و شدت ارتباطات موجود در شبکه
- ب - شکل و ترکیب شبکه: شامل سلسله مراتب شبکه، میزان ارتباط پذیری و تراکم شبکه
- ج - تناسب سازمانی: تا چه اندازه شبکه ایجاد شده برای یک هدف خاص ممکن است برای اهداف دیگر استفاده شود.

۴/۲- بعد شناختی

- الف - زبان و علائم مشترک
- ب - روایت‌های مشترک

۴/۳- بعد ارتباطی

- الف - اعتماد
- ب - هنجارها
- ج - تعهدات و روابط متقابل
- د - تعیین هویت مشترک



مفاهیم و متغیرهای مربوط به دو بعد ساختاری و ارتباطی در قسمتهای قبلی تا حدودی بررسی شد. بعد شناختی با استفاده از زبان مشترک، بینش مشترکی از اهداف و ارزشها را برای اعضای شبکه فراهم نموده و مقدمه فعالیت بهینه آنان را در سیستم اجتماعی فراهم می نماید. در سطح سازمانی و مخصوصاً در سازمانهای بزرگ، ایجاد بینش مشترک در میان اعضا و نزدیک نمودن افکار و دیدگاههای آنان به همدیگر روشهایی برای توسعه بعد شناختی محسوب می شود.

دسته بندی دیگری از ابعاد سرمایه اجتماعی توسط گروه "کندی" دانشگاه هاروارد انجام شده که متغیرهای فوق تاحدودی در این دسته بندی که به شکل تطبیقی به انجام رسیده است ملاحظه می شود؛ این گروه مطالعاتی، ابعاد یازده گانه زیر را مورد شناسایی قرار داد (The Saguaro Seminar, America, 2000):

۴/۴- اعتماد

الف - اعتماد اجتماعی: محور اصلی سرمایه اجتماعی، پاسخ به این سؤال است که آیا شما اعتمادی به افراد دارید؟ این افراد ممکن است همسایه، همکاران، فروشنده یک فروشگاه، یک هم‌کیش، پلیس و خلاصه هم‌کسانی باشد که در زندگی روزمره با آنها در ارتباط هستید باشد.

ب - اعتماد میان نژادهای مختلف: یک جامعه عموماً یک دست بوده و افراد اغلب از یک مذهب و نژاد هستند، اما ممکن است سرمایه اجتماعی را میان نژادهای مختلف (سیاه، سفید، زرد) مورد بررسی قرار داد و میزان اعتماد نژادها را نسبت به همدیگر مورد بررسی قرار داد.

۴/۵- مشارکت سیاسی

الف - مشارکت سیاسی عادی: یکی از ابزار اندازه‌گیری میزان مشارکت افراد در جامعه، اندازه‌گیری میزان مشارکت سیاسی است. این مشارکت را می‌توان از تعداد افراد رأی دهنده، میزان مطالعه و حجم خرید روزنامه‌ها، اطلاعات شهروندان از مسائل سیاسی و مانند آنها مورد اندازه‌گیری قرار داد.

ب - مشارکت سیاسی نقادانه: مطالعات نشان می‌دهد که ممکن است جامعه‌ای از لحاظ مشارکت سیاسی عادی در حد پایینی باشد؛ به عبارتی افراد شرکت‌کننده در انتخابات مجلس خیلی کم باشند و همین‌طور مطالعه روزنامه‌ها اندک و بینش سیاسی جامعه در سطح پایین باشد، اما در عین حال این جامعه از لحاظ مشارکت سیاسی نقادانه در سطح بالایی باشد و افراد در فعالیتهایی مانند راهپیمایی‌ها، تجمعها، انقلابهای سیاسی ... حضور فعالی داشته باشند. بی‌تردید اندازه‌گیری این بعد نیز به مشارکت سیاسی مربوط است.

۴/۶- مشارکت و رهبری مدنی^(۱)

الف- رهبری مدنی: رهبری مدنی به میزان مشارکت افراد در گروهها، باشگاهها و انجمن‌ها و امور شهر یا مدرسه و نظایر آنها می‌پردازد و این سؤال را که فرد تا چه اندازه در این گروهها و انجمن‌ها نقش رهبری را ایفا می‌کند، مدنظر قرار می‌دهد.

ب- مشارکت مدنی: منظور آن است که افراد جامعه تا چه اندازه در انواع گروههای زیر فعالیت می‌کنند: گروههای مذهبی، باشگاههای ورزشی، لیگهای حرفه‌ای، سازمانهای جوانان، انجمن‌های مربوط به والدین، گروههای حرفه‌ای مؤسسات خیریه، اتحادیه‌های کارگری، فرهنگسراها، گروههای ادبی، هنری، فرهنگی، تفریحی، تعاونیها...

۴/۷- پیوندهای اجتماعی غیررسمی^(۲)

این بعد، نقطه مقابل بعد قبلی است. در واقع رهبری و مشارکت مدنی به اندازه‌گیری سرمایه اجتماعی از جنبه‌های رسمی می‌پردازند؛ اما برخی جوامع و اجتماعات، سعی در توسعه روابط غیررسمی داشته و عضویتها و مشارکتهای غیررسمی را بیشتر ترجیح می‌دهند. در واقع این بعد به سنجش جنبه‌های غیررسمی سرمایه اجتماعی می‌پردازد مانند: تعداد دوستان یک فرد، میزان معاشرت فرد با دوستان خود در محیط اداری، معاشرت با همکاران و دوستان اداری در محیطهای خارج از اداره، مشارکت در بازیهایی مانند شطرنج و دیدار از افراد فامیل.

۴/۸- بخشش و روحیه داوطلبی^(۳)

یکی از طرق اندازه‌گیری روابط افراد جامعه از طریق بررسی عضویت و همکاری آنها با نهادهای خیریه و داوطلبانه است. این همکاری می‌تواند به صورت یاری‌های مالی انجام شود مانند کمک مالی به کمیته امداد، شیرخوارگاهها... و یا از طریق اختصاص

1- Civic Leadership & Associational Involvement.

2- Informal Social Ties

3- Giving & Volunteering

وقت باشد مانند شرکت در جلسات مربوط به انجمن‌های توسعه شهری و یا حمایت از فارغ‌التحصیلان دانشگاهها.

۴/۹- مشارکت مذهبی^(۱)

مذهب و دین نقش خیلی مهمی در سرمایه اجتماعی ایفا می‌کند، افراد برحسب دین و مذهب که دارند ممکن است منشأ مشارکت باشند مانند حضور و فعالیت در امور مساجد، تکایا، کلیساها و اماکن مذهبی و زیارتی.

۴/۱۰- عدالت در مشارکت مدنی

در برخی جوامع تمایل به سوی افراد متمکن، تحصیلات عالی و نژاد خاصی است و بالعکس در برخی جوامع دیگر افراد فقیر و دارای پایگاه اجتماعی پایین‌تر در اولویت قرار دارند. از آنجایی که این عوامل در سلامتی جامعه مهم هستند، لذا اندازه‌گیری میزان تساوی افراد مختلف در مشارکتهای اجتماعی حائز اهمیت است. می‌توان این بعد را با عواملی از قبیل نژاد، درآمد، تحصیلات مورد بررسی قرار داد.

۴/۱۱- تنوع معاشرتها و دوستی‌های انسانی و مطالعات فرهنگی

اشاره به معاشرت و رفاقت فرد با طبقات مختلف اجتماعی، نژادها و اقوام و مذاهب و ادیان مختلف دارد. بعبارتی هر چه فرد با افراد طبقات و گروههای متعلق به نژادها و مذاهب مختلف در ارتباط بوده و با آنها حالت دوستی ایجاد کرده باشد موجب فزونی سرمایه اجتماعی شده است.

۵- مدل‌هایی برای سنجش سرمایه اجتماعی

همان‌گونه که عنوان شد، سرمایه اجتماعی مانند سرمایه‌های مادی قابل سنجش

است. مدلها و ابزار مختلفی برای سنجش سرمایه اجتماعی ارائه شده است که در یک دسته‌بندی کلی می‌توان این ابزار را به دو بعد کمی و کیفی تقسیم نمود. این مقاله در تلاش است مدلی برای سنجش کمی و یک مدل برای سنجش کیفی سرمایه اجتماعی ارائه دهد.

۵/۱- مدل کیفی سرمایه اجتماعی

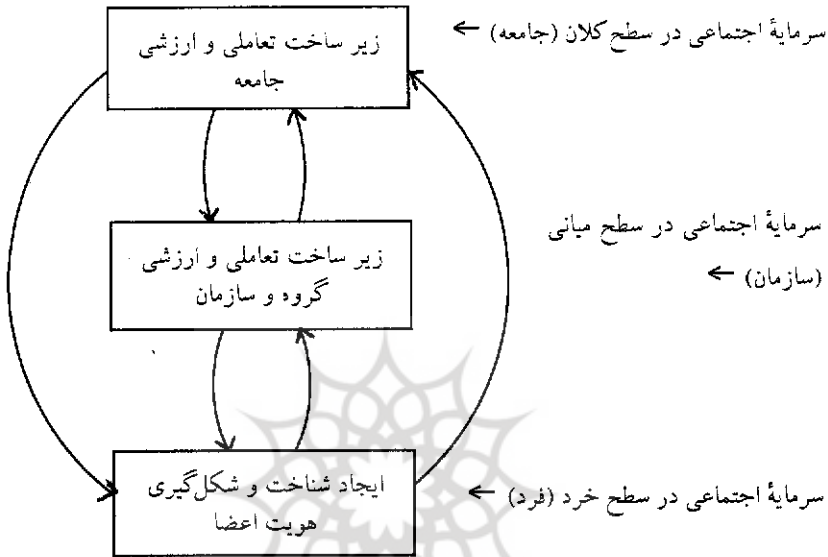
مدلهای کیفی مختلفی برای سنجش سرمایه اجتماعی ارائه شده است. به عنوان مثال، مدل CRLRA^(۱) که توسط فالک و کیلپاتریک^(۲) در سال ۲۰۰۰ میلادی ارائه شده و توسط محققین زیادی مورد استفاده قرار گرفته است. این مدل سرمایه اجتماعی را در سه سطح خود، میانی و کلان مورد بررسی قرار می‌دهد. در سطح خرد، سرمایه اجتماعی اشاره به افراد موجود در شبکه دارد که بر اثر تعامل میان این افراد، شناخت حاصل و هویت اعضا شکل می‌گیرد. در سطح میانی، سرمایه اجتماعی به اجتماعات و گروهها و سازمانها اشاره دارد و باعث تقویت و ساخت بنیه ارزشی و تعاملی گروه می‌شود. در سطح کلان به جامعه که دربرگیرنده سازمانها و گروههای مختلف است تمرکز داشته و موجب شکل‌گیری و تقویت مرادوات و ارتباطات جمعی شده و ارزشهای مشترک را بهبود می‌بخشد. مطابق شکل شماره ۱ همه این سطوح با هم در ارتباط بوده و موجب تقویت یا نقصان همدیگر می‌شوند (Kilpatrick & Falk, 2001).

رتال جامع علوم انسانی

1- Center for Research & Learning in Regional Australia

2- Falk & Kilpatrick

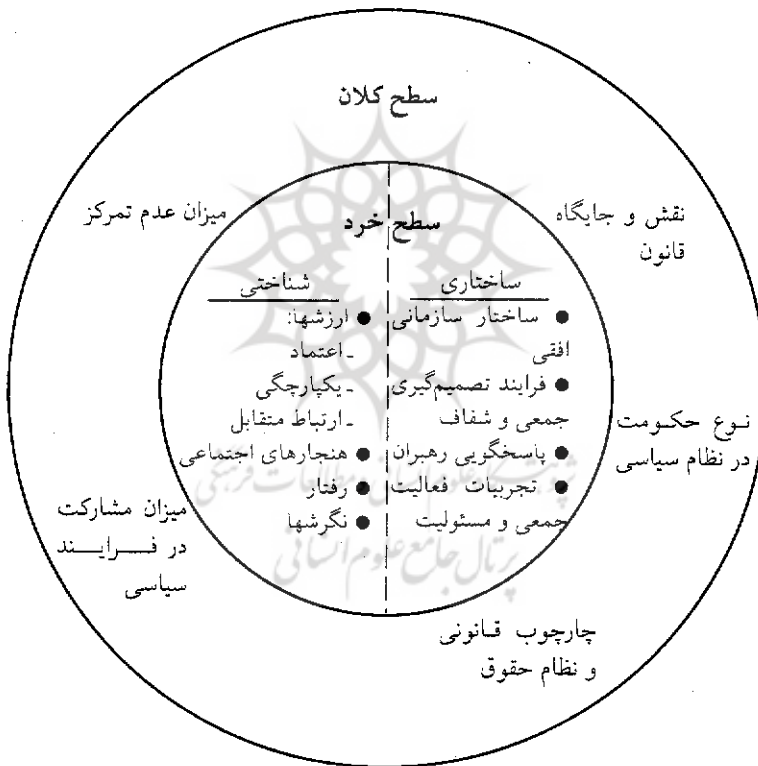
شکل شماره ۱: نحوه ارتباط سرمایه اجتماعی در سطوح مختلف



مدل CRLRA مبتنی بر تئوری منابع اجتماعی است که قبلاً توضیح داده شد، بر پایه این مدل، سرمایه اجتماعی شامل منابعی است که موجب افزایش ظرفیت جامعه/سازمان می‌شود. در سطح فردی، این منابع شامل شناخت و هویت است. منظور از منابع شناخت و دانش، دانستن منبع اطلاعات و شیوه‌های انجام کار و یا برطرف نمودن مشکلات پیش آمده در شبکه می‌باشد. منابع هویت، اشاره به هنجارها و ارزشها دارد، به عبارتی منبع هویت به این که افراد تا چه اندازه دارای ارزشها و بینش‌های مشترک بوده و قادر به کار با دیگران هستند تمرکز دارد. این منابع شناخت و هویت در سطح اجتماع و سازمان با هم تلفیق شده و منبعی از سرمایه اجتماعی برای آن سازمان/اجتماع پدید می‌آورند که در سطح میانی به زیر ساختهای ارزشی و تعاملی سازمان مربوط و در سطح کلان به زیر ساختهای مرادده‌ای و ارتباطی اجتماعی ختم

می‌شود.

مدل نسبتاً جامع کیفی که گزارش به تحلیل سرمایه اجتماعی در سطح سازمانی دارد مدل SCAT^(۱) است که برای اولین بار در سال ۱۹۹۸ توسط "بین و هیکس"^(۲) ارائه و سپس توسط محققین دیگر از جمله "کریشنا و شرادر"^(۳) در سال ۱۹۹۹ توسعه داده شد. مدل SCAT سعی در تصویر ابعاد و ترکیب سرمایه اجتماعی در سطح سازمان دارد (Krishna & Shroder, 1999):



شکل شماره ۲ - مدل SCAT

1- Social Capital Assessment Tool

2- Bain & Hicks

3- Krishna & Shradler

در این مدل، سرمایه اجتماعی به دو سطح کلان و خرد تقسیم شده است، سطح کلان اشاره به محیطی دارد که سازمان در آن فعالیت دارد که شامل نقش قوانین، چارچوب حقوقی، نوع حکومت و نظام سیاسی، میزان عدم تمرکز و میزان مشارکت سیاسی افراد در خط‌مشی کلان است.

سرمایه اجتماعی در سطح خرد به دو بعد شناختی و ساختاری تقسیم شده است. بعد شناختی به بخش نامحسوس سرمایه اجتماعی مانند ارزشها، عقاید، نگرشها، رفتار و هنجارهای اجتماعی می‌پردازد. ارزشهای شناختی به روحیه اعتماد و یکپارچگی اعضا و همین‌طور ارتباط متقابل که میان اعضای یک جامعه وجود دارد می‌پردازد. این ارزشها شرایطی را در جامعه/سازمان بوجود می‌آورند که در آن اعضا برای تولید کالای مشترک می‌توانند با هم همکاری نمایند. بعد ساختاری سرمایه اجتماعی دربرگیرنده ساختارها و شبکه‌هایی است که حاوی فرایندهای تصمیم‌گیری جمعی و روشن، رهبران پاسخگو و مسئولیت متقابل است. (شکل شماره ۲)

اگرچه پرداختن به سرمایه اجتماعی در سطح کلان ضروری است اما مدل SCAT تلاش دارد تا با ارائه شاخصهایی به اندازه‌گیری سطح خود پرداخته و تلاش دارد تا میزان سرمایه اجتماعی را در شرکتها، سازمانها اندازه‌گیری نماید.

۵/۲- مدل کمی برای اندازه‌گیری سرمایه اجتماعی

مدلهای کمی مختلفی در چند سال اخیر ارائه شده است که در این جا به توصیف یکی از این مدلها اکتفا می‌کنیم؛ مطابق این مدل میزان سرمایه اجتماعی تابعی است از مجموع ارزش منابع در اختیار اعضای شبکه ضربدر احتمال این‌که این اعضا منابع را در اختیار فرد قرار دهند (در صورتیکه فرد به این منابع محتاج باشد) (Snijders, T.A, 1999):

$$S_i \in_A C = \sum V_i P_i$$

در اینجا:

$S_i \in_A C$ = میزان سرمایه اجتماعی اگر i عضوی از شبکه A باشد

$A =$ مجموعه افراد شبکه‌ای که i عضوی از آن است

$V_i =$ ارزش منابع در اختیار عضو

$P_i =$ احتمال اینکه عضو i بتواند این منابع را در اختیار بگیرد

تبعاً، میزان سرمایه اجتماعی قید شده در فرمول فوق، بستگی به سه عامل تعداد اعضای موجود در شبکه، احتمال واگذاری منابع در اختیار اعضای موجود در شبکه و میزان ارزش منابع در اختیار اعضای موجود در شبکه است. به عبارتی هرچه شبکه گسترده‌تر و وسیع‌تر باشد، سرمایه اجتماعی تقویت و بالعکس. همین‌طور هرچه میزان ارزش منابع و احتمال واگذاری منابع افزایش می‌یابد، تعداد سرمایه اجتماعی بشکل تصاعدی افزوده می‌شود.

۶- مزایای سرمایه اجتماعی

مزایای متعدد و زیادی را می‌توان برای سرمایه اجتماعی برشمرد؛ مزیت اصلی و عمده سرمایه اجتماعی در اختیار گذاشتن اطلاعات زیاد با هزینه پایین و زمان اندک برای "بازیگرانی است که نقش اصلی"^(۱) را در سرمایه اجتماعی ایفا می‌کنند. سرمایه اجتماعی علاوه بر در اختیار قرار دادن سرمایه اجتماعی زمینه‌های تحلیل و ارزیابی آن را نیز فراهم می‌نماید. بعنوان مثال، کلمن نشان داد که پیوندهای موجود در شبکه -محور تئوری سرمایه اجتماعی- امکان ارزیابی اطلاعات مربوط به فرصتهای شغلی را به اعضا می‌دهد و آنها را در انتخاب شغل مورد نظر کمک می‌کند.

شبکه‌های میان سازمانی که حاصل کار سرمایه اجتماعی است مزایای مختلفی برای سازمان دارد از جمله کسب مهارت‌ها و دانش جدید از سوی اعضای شبکه‌ها مزیتی است که می‌تواند در سازمان‌های چند بخش کاربرد داشته باشد. تحقیقات دیگری^(۲) نشان داد که شرکتهای چندملیتی برای تبادل اطلاعات و تسریع در جریان ارتباطات می‌توانند از این تئوری استفاده برند.

کسب قدرت و نفوذ از مزایای دیگر سرمایه اجتماعی است. کلمن در نوشته‌های خود اشاره به واژه "کلپ نمایندگان مجلس" دارد که در واقع منظور بحث "قدرت" است. برخی نمایندگان قدرت بیشتری نسبت به نمایندگان دیگر دارند چرا که آنها تعهدات متفاوت با سایر نمایندگان برای خود ایجاد کرده‌اند و از اعتبار این تعهدات برای مشروعیت بخشیدن به رفتار خود استفاده می‌کنند. یک چنین قدرتی به بازیگر اصلی (در سرمایه اجتماعی) اجازه می‌دهد تا به اهداف خود دست یابد.

مزیت دیگر سرمایه اجتماعی ایجاد "یکپارچگی" (۱) در میان اعضا است. هنجارها و باورهای محکم موجب ایجاد شبکه اجتماعی قوی می‌شود که دربرگیرنده آداب و رسوم و قوانین خاصی است و این هنجارها جایگزینی کنترل‌های رسمی می‌شود. در این رابطه اوچی (۱۹۸۰) چنین استدلال می‌کند که سازمانهای قبیله‌ای با هنجارهای مشترک قوی از هزینه‌های اندک نظارت بهره‌مند بوده و تعهد بالایی را در اختیار دارند که در واقع همان سرمایه اجتماعی است (Adler, wook won, 1999).

علاوه بر مزایای فوق بکارگیری سرمایه اجتماعی در سطح سازمانی دارای مزایایی مانند: ایجاد سازمان کاری و تیمهای منعطف، ارائه سازوکارهایی برای بهبود مدیریت عملکرد گروهی، زمینه‌سازی برای توسعه سرمایه‌های غیرمادی در سازمان و افزایش تعهد اعضا و کارکنان سازمان نسبت به مصلحت عامه است (Leana, Burren, 1999).

۷- خطرات ناشی از بکارگیری سرمایه اجتماعی

سرمایه اجتماعی توأم با هزینه‌هایی است و می‌تواند در برخی مواقع به عنوان ابزار مخرب محسوب شود. تحقیقات زیادی در ارتباط با مزایای حاصل از بکارگیری سرمایه اجتماعی انجام شده است اما به خطرات و تهدیدات آن کمتر پرداخته شده است. اولین اشکال به بازیگرانی که در سرمایه اجتماعی نقش اصلی و محوری دارند مربوط می‌شود. ایجاد و نگهداری سرمایه اجتماعی در یک سازمان نیازمند صرف

سرمایه مالی قابل توجه به منظور حفظ و نگهداری "روابط" میان اعضا است. در برخی مواقع مزایای حاصل از سرمایه اجتماعی به مراتب کمتر از سرمایه اختصاص یافته به آن است. به عبارتی همواره باید نامساوی زیر برقرار باشد:

هزینه نگهداری روابط میان اعضا > مزایای حاصل از سرمایه

دومین تهدید ناشی از بکارگیری سرمایه اجتماعی به پیوندهای قوی بوجود آمده در سازمان مربوط می‌شود؛ بدین صورت که سرمایه اجتماعی گرایش به تقویت روابط میان اعضا و استحکام این روابط دارد، اما تحقیقات انجام شده^(۱) در این زمینه، نشان داده است که سازمانها و تیمهایی که دارای پیوندهای قوی با سایر واحدها هستند برای انجام وظایف خود نسبت به تیمهایی که پیوند ضعیفتری دارند کندتر عمل می‌کنند. به عبارتی، پیوندها و ارتباطات قوی (که حاصل سرمایه اجتماعی است) دارای اثربخشی کمتری نسبت به پیوندهای ضعیف است و تیمهایی که دارای پیوند ضعیفی با سایر واحدها هستند کار سریعتر و بهتر انجام می‌شود.

ایراد دیگر سرمایه اجتماعی به مزیت "یکپارچگی" مربوط است. این مزیت که در قسمت قبلی به آن اشاره شد، ممکن است در برخی موارد، نتیجه عکس برای بازیگران اصلی بیار آورد. داشتن اتحاد و یکپارچگی بیش از اندازه با اعضای یک گروه ممکن است بازیگران را مشغول روابط و ارتباط با آنان ساخته و از توجه به اهداف و مأموریت‌های اصلی می‌کاهد و در برخی مواقع حتی جابجایی هدف و وسیله صورت می‌گیرد، بدین صورت که حفظ روابط میان اعضا جایگزین اهداف و مأموریت‌های سازمان می‌شود. علاوه بر امکان جابجایی اهداف، تقویت روحیه "یکپارچگی" می‌تواند موجب کاهش افکار جدید در سازمان، تنبلی و کوتاه نظری اعضا شود. همانگونه که دور و پاول^(۲) متذکر می‌شوند: "پیوندهایی که موجب وسعت دید و تقویت بینش اعضا در سازمان

می‌شود ممکن است، تبدیل به پیوندهایی شود که موجب کوری و ناپیئایی آنان شود." (Adler, Wookwon, 1999).

اُزی^(۱) (1997) در تحقیقاتی نشان داد که تقویت سرمایه اجتماعی در سازمان موجب افزایش کینه‌توزی اعضاء، مقاومت در برابر اطلاعات جدید و ممانعت از ارزیابی آنها و افزایش آسیب‌پذیری کل سازمان در مقابل تغییرات دامنه‌دار محیط خواهد شد.

۸- نتیجه‌گیری

در این مقاله به تشریح دیدگاه‌های بوردیو، کلمن و پوتنام در زمینه سرمایه اجتماعی پرداخته شد. بوردیو به سرمایه اجتماعی به عنوان ابزاری برای رسیدن به سرمایه اقتصادی توجه داشت، کلمن سرمایه اجتماعی را شبکه‌ای با ارزش می‌پنداشت که می‌توانست به عنوان وسیله‌ای برای تحقق سرمایه انسانی بکار برده شود و در نهایت، پوتنام اعتقاد داشت که سرمایه اجتماعی مجموعه‌ای از هنجارها و اعتماد متقابل اعضای یک شبکه است که می‌تواند موجب توسعه سیاسی یک جامعه شود.

در این مقاله برای مفهوم سازی سرمایه اجتماعی سه تئوری پیوندهای ضعیف، شکاف ساختاری و منابع اجتماعی معرفی شد. تئوری پیوندهای ضعیف بر چگونگی روابط میان اعضای شبکه تأکید داشته و روابط ساختار نیافته و ضعیف درونی را در ایجاد ارتباطات بیرونی، کارآمد می‌داند. تئوری شکاف ساختاری بر تحلیل روابط میان فرد با همکاران وی در شبکه اجتماعی می‌پردازد و ساختار یک شبکه را تحت تأثیر اندازه، تراکم و سلسله مراتب شبکه می‌داند. تئوری منابع اجتماعی به منابع در اختیار همکاران فرد در شبکه اشاره دارد که می‌تواند به عنوان ابزار کارآمد برای فرد در تحقق اهداف بشمار آید.

در ادامه، ابعاد مختلف سرمایه اجتماعی شامل اعتماد اجتماعی، اعتماد میان نژادهای مختلف، مشارکت سیاسی عادی، مشارکت سیاسی نقادانه، رهبری مدنی،

مشارکت مدنی، پیوندهای اجتماعی غیررسمی، بخشش و روحیه داوطلبی، مشارکت مذهبی، عدالت در مشارکت مدنی، تنوع معاشرتها بعنوان یازده بعد عمده نظریه سرمایه اجتماعی مطرح و مورد بررسی قرار گرفت.

برای سنجش میزان سرمایه اجتماعی دو مدل کیفی CRLRA و SCAT مطرح شد، همینطور شاخصی برای سنجش کمی سرمایه اجتماعی ارائه شد.

ایجاد سازمان کاری منعطف، ارائه سازوکارهایی برای بهبود مدیریت عملکرد گروهی، زمینه‌سازی برای توسعه سرمایه‌های غیرمادی در سازمان و افزایش تعهد اعضا و کارکنان نسبت به مصالح عامه، ایجاد یکپارچگی میان اعضا، تسریع تبادل اطلاعات به عنوان مزایای سرمایه اجتماعی مطرح و در پایان هزینه‌های بالا، پیوندهای قوی میان اعضا، ایجاد رویحه محافظه‌کاری، کاهش خلاقیت، مقاومت در برابر اطلاعات و ممانعت از ارزیابی آنها و در نهایت آسیب‌پذیری سازمان در برابر تغییرات محیطی بعنوان تهدیدات و خطرات استقرار و تقویت سرمایه اجتماعی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.



شروېشگاه علوم انساني و مطالعات فرهنگي
پرتال جامع علوم انساني

منابع و ماخذ

- 1- Adler, P. W. (1999). " Social Capital: The Good, The Bad, and The Ugly", Management Meeting in Chicago.
- 2- Seibert, S. Kraimer. M; Linden, Robert. (2001). "A Social Capital Theory of Career Success". Academy of Management Journal, Vol.44. No2.
- 3- Krishna A; Shrader. E. (1999). "Social Capital Assessment Tool". Conference on Social Capital and Poverty Reduction, —
- 4- Kilpatrick, Falk. In. (2001). "Benefits For All: How learning in Agriculture Can Build Social in Island Communities". University of Tasmania, —
- 5- "Social Copital Community Benchmark Survey"(1990), The Saguaro Seminar, Civic Engagement in America, —
- 6- Winter, In. (2000). "Towards a Theorised Understanding of Family Life and Social capital". Available at: www.aifs.org.au/
- 7- Leana, C.R., & Van Burren III, H..J. (1999). "Organizational Social Copital and Employment Proactices". Academy of Management Review. 24(3)
- 8- Nahapiet, J., and Ghoshal, S. (1998). "Social Capital, Intellectual Capital, and the Organizational Advantage". Academy of Management Rewiew, 23(2).
- 9- Snijders, T.A.B. (1999). "Prologue to the Measurement of Social Capital". The

Tocqueville Review, 20(1).

- 10- Putnam, R. (2000). "Bowling Alone: The Collapse and Revival of American Community". New York: Simon & Schuster, —
- 11- Coleman, J.S. (1990). "Foundations of Social Theory", Cambridge, MA: Harvard University Press, Belknap Press.
- 12- Burt, R.S. (1997). "The Contingent Value of Social Capital", Administrative Quarterly 42(9).



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی